

قرآن و نقش تربیتی مادر در خانواده

سید حسین هاشمی

خانواده، هسته نخستین جامعه و از عوامل اصلی انتقال فرهنگ، اندیشه، اخلاق و سنت‌ها و عواطف به نسلی پس از نسل دیگر است. در میان اعضای خانواده بیشترین سهم تأثیرگذاری بر فرزند از آن مادران است؛ به ویژه در خانواده‌هایی که شیوه‌ای زیست‌طبیعی، و مطابق با الگوها و سنت‌اسلامی دارند؛ که براساس آن شیر مادر بهترین غذای کودک و آغوش مادر بهترین جایگاه برای تربیت و پرورش کودکان شناخته می‌شود.

بر پای‌بست همین نگرش، بارزترین و والاترین نقشی که در کلام و حیانی قرآن، برای زنان ترسیم و مورد ستایش قرار گرفته شده نقش مادری و عهده‌داری تربیت فرزندان از سوی آنان است.

نقش‌های طبیعی سه‌گانه زنان

زنان به حکم طبیعت و دستگاه آفرینش در سه نقش طبیعی ابراز وجود می‌کنند: نقش دختری، نقش همسری و نقش مادری. از میان این هر سه نقش آن چه جایگاه و منزلت ویژه و شایسته تعظیم و تکریم به زن می‌دهد، منزلت و جایگاه مادری است.

نقش زن در جایگاه دختر خانواده

قرآن کریم از هر سه نقش پیشین سخن گفته است، اما نه به یک پیمانانه و ارزش‌گذاری برابر و همسان؛ سخن قرآن از زن در نقش دختر خانواده، به سه ساحت برمی‌گردد:

یک: دفاع از منزلت انسانی دختران و زنان

قرآن کریم نسبت به جایگاه دختران و زنان توجه داشته و همواره رفتار ظالمانه و ستمگرانه و تحقیرآمیز علیه آنان را که در بسیاری از فرهنگ‌ها از جمله عرب‌جاهلی رایج بوده است، مورد نکوهش قرار داده است.

قرآن در آیات و شیوه‌های بیانی مختلف، نگاه فرودستانه به دختران و زنان را نکوهش کرده و چنان نگره‌ای را با ارزش‌های انسانی و باورهای توحیدی ناسازگار دانسته است:

«و لا تقتلوا اولادکم خشیهً إِملاق نحن نرزقهم و ایتاکم إن قتلهم کان خطاً کبیراً» (اسراء / 31)
«و فرزندانان را از ترس فقر نکشید، ما آنها و شما را روزی می‌دهیم، مسلماً کشتن آنها گناه بزرگی است.»

«و اذا الموءودة سئلت بأی ذنب قتلت» (تکویر / 8 و 9)

«و در آن هنگام که از دختران زنده به گور شده سؤال شود: به کدامین گناه کشته شدند.»

دو: تأیید رهیافت‌های شخصیت‌شناختی و روان‌شناسانه دختران.

قرآن کریم در یک مورد از شعور بالا، دقیق، دریافت واقع‌نگر و شخصیت‌شناسی درست دختران، سخن گفته است و آن قضاوت و شناختی است که دختران شعیب‌علیه السلام پس از دیدار کوتاه با موسی‌علیه السلام به هنگام آب‌دادن گوسفندان بدان رسیدند و هنگامی که به خانه برگشتند آن دریافت را به پدر ابراز داشتند :

«قالت احدهما یا ابت استأجره إن خیر من استأجرت القوی الامین» (قصص / 26)

«یکی از آن دو دختر گفت: «پدرم او را استخدام کن. زیرا بهترین کسی را که می‌توانی استخدام کنی آن کس است که قوی و امین باشد.» و او همین مرد است.»

یاد کرد این فراز حکایت موسی و دختران شعیب از سوی قرآن، نوعی تأیید ذکاوت، تیزهوشی و روانشناسی قوی برای دختران به ویژه در امر همسریابی به شمار می‌رود.

سه: توانمندی دختران در عرصه کار اطلاعاتی

شایستگی دختران در عرصه‌های خبری و اطلاعاتی - که از عرصه‌های دشوار و پیچیده حیات اجتماعی انسان‌ها به ویژه در جوامع بسته و مستبد به شمار می‌رود - در داستان حضرت موسی‌علیه السلام سراغ می‌رود؛ چه در آن داستان خواهر موسی به عنوان گماشته مادر، در تعقیب و ردیابی برادرش موسی توانست وظیفه و مسئولیت محول شده به خود را به شایستگی انجام دهد و ضمن ورود به کاخ فرعون زمینه بازگشت موسی به آغوش مادر را سامان دهد و به فرجام دل‌خواه برساند.

«و قالت لاخته قصیه فبصرت به عن جنب و هم لا یسعون. و حرّمتنا علیه المراضع من قبل فقالت هل أدلکم علی اهل بیت یکفلونه لکم و هم له ناصحون. فرددناه إلی امه کی تقرّ عینها و لا تحزن...» (قصص / 11-13)

«و مادر موسی به خواهر او گفت: وضع و حال او را پیگیری کن. او نیز از دور ماجرا را مشاهده کرد، در حالی که آنان بی‌خبر بودند. ما همه زنان شیرده را از پیش بر او حرام کردیم) تا تنها به آغوش مادر باز گردد و خواهرش) که بی‌تابی مأموران را برای پیدا کردن دایه مشاهده کرد) گفت «آیا شما را به خانواده‌ای راهنمایی کنم که می‌تواند این نوزاد را برای شما کفالت کنند و خیرخواه او باشند؟ ما او را به مادرش باز گردانیدیم تا چشمش روش شود و غمگین نباشد...»

نقش زن در جایگاه همسری

زن در جایگاه همسری از منظر قرآن، نقش‌های بیشتر و مهم‌تری را در دو ساحت خانواده و جامعه عهده‌دار است :

الف - ساحت خانواده

یک: کامل‌کننده و تمامیت بخش وجود و هستی مرد
قرآن کریم در مواردی چند از زوج‌آفرینی موجودات از جمله انسان (= یعنی زن و مرد) سخن گفته است؛ این مفهوم گذشته از بار معنایی همانندی تمام جانبه زن و مرد در ابعاد اساسی و اصول انسانی همچون، ارزش‌ها، کمال‌یابی و هویت انسانی، کامل‌کنندگی هر یک برای دیگری را نیز می‌رساند؛ چه هر زوجی به تنهایی نمی‌تواند آثار وجودی مترتب بر خود، مانند گسترش و تکثیر نسل را بروز دهد مگر آن‌گاه که زوج او نیز وجود و در کنار او حضور - متناسب با آن چیز - داشته باشد. که اگر غیر این باشد، عنوان زوجیت صدق نمی‌کند و گذشته از آن وجود و دستکم اطلاق عنوان زوج بودن، لغو و بی‌ثمر خواهد بود:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا آلَٰدَىٰ خَلَقَكُم مِّنْ نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا...» (نساء / 1)

«ای مردم از مخالفت پروردگارتان بپرهیزید، همان کس که همه شما را از یک نفس آفرید و همسر او را نیز از همان نفس یگانه آفرید...»

دو: تداوم بخشیدن نسل آدمی
در همان آیه شریفه پیش گفته، پس از آن که خداوند از زوج‌آفرینی انسان و یگانگی آن دو در منشأ و گوهرآفرینش یاد می‌کند، می‌افزاید:

«...و بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً...» (نساء / 1)

«از آن دو مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت.»

آیه شریفه نقش مشترک و همانند برای زن و مرد در تکثیر و گسترش نسل آدمیان، قائل می‌شود. و برای زنان سهمی به اندازه مردان در این زمینه می‌دهد. حال آن که در زمان نزول قرآن، در عرف عرب جاهلی و بیشتر فرهنگ‌های جوامع آن زمان، زن، تنها ظرف (= اوعیه) نطفه مردان به حساب می‌آمد و نه شریک نسل و دارای تأثیر در سویه‌های خلقی و خلقی فرزندان و یا برخوردار از حقوق مادری.

سه: عامل آرامش همسر، برآورنده نیازهای روحی و روانی او
«و من آیاته أن خلق لكم من انفسكم أزواجا لتسكنوا إليها و جعل بينكم مودةً و رحمةً...» (روم / 21)

«و از نشانه‌های او اینکه از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد...»

چهار: پوشاننده عیب‌ها و برآورنده نیازها و کاستی‌های شوهران
در نگره قرآنی مردان و زنان کارکرد لباس و پوشش نسبت به یکدیگر را دارند:

«هنّ لباس لكم و انتم لباس لهنّ...» (بقره / 187)

«همسرانتان - زنان - لباس شما هستند و شما لباس آنها...»

تعبیر لباس از زن و مرد در نقش همسری، می‌رساند که از فوائد و کارکردهای همسری، مصونیت بخشی، حفظ وقار و آراستگی هر یک از همسران نسبت به دیگری است.

پنج : مشاور همسر در امور خانواده

خداوند در دو سوره از قرآن، زنان را مشاور همسرانشان معرفی کرده است:

«والوالدات یرضعن اولادهن حولین کاملین... فان اراد فصلاً عن تراضٍ منهما و تشاور فلاجناح علیهما...»
(بقره / 233)

«مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر می‌دهند... و اگر آن دو با رضایت و مشورت یکدیگر بخواهند کودک را (زودتر) از شیر بگیرند گناهی بر آنها نیست...»

«وأتمروا بینکم بمعروف...» (طلاق / 6)

«و (در باره فرزندان، کار را) با مشاوره شایسته انجام دهید...»

مجال این تأمل هست که آیا دو مورد یاد شده دارای ویژگی بوده است یا قرآن از سه نمونه و راهنمایی و تأکید بر دو مورد انگشت نهاد و موضوع قابل تسری به سایر موارد مدیریت مشترک خانوادگی می‌باشد.

شش : پاسخدهی به نیازهای طبیعی همسری

«نساء کم حرث لکم فأتوا حرثکم ائتی شتم...» (بقره / 223)

«زنان شما محل بذرافشانی شما هستند؛ پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آنها آمیزش کنید.»

لحن ترغیب‌گرایانه آیه شریفه بر تأمین نیاز جنسی و کامروایی - از رهگذر آمیزش با همسران - در هر لحظه و هر جای که احساس نیاز شود، همزمان، مطلوب بودن و نیز نقش باثباتی همسران در اشباع جنسی شوهران را می‌رساند.

ب - ساحت جامعه

قرآن کریم از همسران نوح و لوطعلیهمالسلام به عنوان نمادها و نمونه‌های کفر و بی‌ایمانی نام می‌برد.

چنان که از همسر فرعون، به عنوان الگوی مثبت و سازماند اقتدا برای همه مردان و زنان یاد کرده است :

«ضرب الله مثلاً للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط کانتا تحت عبدین من عبادنا فخانتما فلما

یغیاعنهما من الله شیء و قیل ادخلا النار مع الداخلین. و ضرب الله مثلاً للذین آمنوا امرأت فرعون إذ

قالت ربّ ابنی لی عندک بیتاً فی الجنة و نجّنی من فرعون و عمله و نجّنی من القوم الظالمین» (تحریم / 10

و 11)

«خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند، به همسر نوح و همسر لوط، مثل زده است، آن دو تحت سرپرستی

دو بنده از بندگان صالح ما بودند ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو پیامبر سودی به حالشان

(در رهایی از عذاب الهی) نداشت و به آنها گفته شد: «وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می‌شوند. و

خداوند برای مؤمنان به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت: «پروردگارا خانه‌ای برای من

نزد خودت در بهشت بساز و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش.»

کارکردهای زنان در نقش مادری

الف - رشد کودک در آغوش مادر

قرآن نهاد خانواده را کانونی برای تربیت (پرورش استعدادهای درونی) (1) و رشد توانایی‌های بالقوه فرزندان می‌شناسد و برای سامان‌یابی ثمربخش وظیفه کودک‌پروری، نقش و کارکرد هر یک از پدر و مادر را تعیین می‌کند:

«والوالدات یرضعن اولادهنّ حولین کاملین لمن اراد أن یتّم الرضاعه و علی المولود له رزقهنّ و کسوتهنّ بالمعروف... لا تضارّ والدۀ بولدها و لا مولود له بولده...» (بقره / 233)

«مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر می‌دهند، (این برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده) = پدر (لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته) در مدت شیردادن بپردازد (- هیچ‌کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست - نه مادر) (به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد و نه پدر.»

برخی پنداشته‌اند که این تقسیم وظیفه به عصر و زمانی نظر دارد که مادران خانه‌نشین بوده‌اند. از سوی دیگر قرآن خود تصریح کرده است که این حکم، الزامی نیست؛ بنابراین می‌تواند مؤسسات پرورش کودک، پدر و یا هر کسی دیگری جانشین مادر شود و تربیت کودک را بر عهده بگیرد. و برای شیر مادر نیز غذاهای مناسب، جایگزین گردد.

در پاسخ باید گفت، که این تقسیم وظایف بین پدر و مادر، در نگره قرآنی، نه دل‌بخواخانه و فاقد بنیان‌های معرفتی و انسان‌شناختی که برآمده از متن طبیعت، آفرینش و استعدادهای متفاوتی است که برای هر یک از زن و مرد وجود دارد، استعدادهای طبیعی مرد همچون توانایی جسمی، سخت‌کوشی، خشونت و... او را در جایگاه نان‌آور و پاسبان خانواده قرار داده است. مهر و عطوفت، ظرافت و لطافت طبع، صلح‌جویی، رقت قلب، شکیبایی و... زن را وظیفه مادری، تربیتی و پرورشی بخشیده است.

این حقیقت در دنیای امروز که دنیای فاصله‌گرفتن مادران از فرزندان و پرداختن به کار بیرون از منزل است، نسبت به سایر زمان‌ها روشن‌تر شده است که هیچ، جایگزینی برای شیر مادر نمی‌توان سراغ گرفت و هیچ پرورش‌گاهی نمی‌تواند احساس، عاطفه، گرما، آرامش، نیروبخشی و سایر کارکردهای روانی و عاطفی آغوش مادر را جبران کند.

دکتر بنیامین اسپاک (Dr. Benjamin Spock) روان‌پزشک و متخصص کودکان، در آمریکا

عصاره دریافت سال‌ها پژوهش و تحقیق کتابخانه‌ای و میدانی خود در این باره را چنین بازگو می‌کند:

«کودکان می‌توانند رشد و تربیت طبیعی داشته باشند. برای رسیدن به این هدف من به نتایجی رسیده‌ام که به طور خلاصه از این قرار است: ساعتی بعد از تولد نوزاد، فرزند را در اختیار مادر قرار دهند، تا او را مدتی لمس کند، تغذیه با پستان مادر باید تشویق شود و تا حد امکان نوزاد هنگام انجام کارها، همراه مادر

باشد.» 2

او فوائد و آثار این سفارش‌های تربیتی را سالم‌سازی و انسانی‌شدن هرچه بیشتر روابط جوامع بشری می‌داند و تغییر شرایط زندگی را که بر اثر آن زنان از بیم تغییرات عضلانی، از دست دادن زیبایی، گریز از کسالت و خستگی خانه‌نشینی، بی‌حوصلگی، اشتغال به کار و عوامل از این دست، نمی‌خواهند حتی بخشی از تربیت فرزندان را متحمل شوند، دلایل قانع‌کننده برای کوتاهی در تربیت فرزندان از سوی خانواده و مادران نمی‌شناسد:

«من امیدوارم در حالی که انتظار جامعه انسانی‌تر را داریم، مردان و زنانی باشند که احساس کنند، مراقبت از کودکان و خانه، دستکم به اندازه هر فعالیت دیگری، مهم و ارضاکنده است و هیچ زن و مردی تصور نکند که برای انتخاب این راه احساس شرمندگی کند.»³

ب - مادران نمونه، چهره‌های الگو

1- همسر عمران مادر مریم

مریم زن نمونه و بانویی است که در قرآن کریم ستایش افزون شده و زن برگزیده از میان عالمیان معرفی شده است:

«وَأَذَّاتِ الْمَلَائِكَةِ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران / 42)
«به یاد آورید هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان برتری داده است.»

قداست و برگزیدگی مریم را - انسان که قرآن روایت می‌کند - تربیت یافتن وی در دامن مادری چون همسر عمران، شایستگی‌ها، باور، اخلاص و ایمان وی بی‌ارتباط نیست. زیرا قرآن قبل از تکریم مریم، به ارائه ویژگی‌هایی از مادر او پرداخته است:

«رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»
(آل عمران / 35)

(به یاد آورید) هنگامی را که همسر «عمران» گفت: «خدایا آن چه را در رحم دارم، برای تو نذر کردم، که «محرّر» (و آزاد، برای خدمت خانه تو) باشد. از من بپذیر که تو دانا و شنوا هستی.»
بی‌تردید زنی با این خداباوری و نیت الهی و معنوی، دوره بارداری خویش را در کمال پروا پیشگی و بندگی خالصانه به سر برده و مراقب طهارت ظاهری، باطنی و دوری از آرایش‌های تأثیرگذار بر کودک خویش بوده است.

رهیافت به راز و اهمیت یاد کرد قرآن از انگیزه الهی و خالصانه مادر مریم به هنگام بارداری و پیشکش کردن جنین خویش به پیشگاه پروردگار هستی، وانگهی میسر می‌گردد که توجه داشته باشیم کاوش‌ها و دریافت‌هایی جدید علمی، بیانگر آن است که حوادث محیطی و پیرامونی کودک از زمان تولد و حتی پیش از آن و در دوره جنینی، از قبیل تصورات، افکار، حزن و اندوه او، رفتارها و عملکردهای مادر و نیز تغذیه، نظافت، گرفتن از شیر و آموزش، دارای تأثیر کامل در تنظیم و شکل‌گیری شخصیت آینده او می‌باشد.

تمامی روایات و نصوصی که از آداب زفاف، شرایط زمانی، مکانی و بایسته‌های زمان آمیزش، تأثیر آب، هوا، تغذیه و حالات روحی مادران بر فرزندان در دوره بارداری و شیردهی، سخن می‌گویند، از همین منظر قابل دقت است.

دکتر بنیامین اسپاک، می‌نویسد:

«انسان قبل از تولد نه تنها در رحم مادر رشد می‌کند، تغذیه می‌شود و محیط گرمی دارد، بلکه در همه حرکتهای او شریک است.»⁴

مادر مریم، در نخستین لحظه‌های تولد فرزندش در اندیشه پابندی به عهدی است که با خدا بسته است و زمانی که می‌بیند برخلاف تصور او دختری به دنیا آورده که نمی‌تواند بر اساس رسوم آن جامعه در شمار خدمت‌کاران خانه خدا درآید، اما این رویداد خلاف تصور، چیزی از ایمان وی، نمی‌کاهد و او همچنان ثابت قدم در عهدش باقی می‌ماند و نوزادش را «مریم» (عبادت‌کننده خداوند) نام می‌نهد و با سپردن او، و نسلش به خداوند، خواهان امداد الهی در تربیت وی می‌گردد:

«فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (آل عمران / 36)

«ولی هنگامی که او را به دنیا آورد، او او را دختر یافت (گفت: «خداوندا! من او را دختر آوردم - ولی خدا از آنچه او به دنیا آورده بود، آگاه‌تر بود - و پسر همانند دختر نیست. (دختر نمی‌تواند وظیفه خدمت‌گذاری معبد را همانند پسر انجام دهد). (من او را مریم نام گذاردم؛ و او و فرزندانش را از (سوسه‌های) شیطان رانده شده، در پناه تو قرار می‌دهم.»

واژه «عوذ» به معنای پناه‌بردن، پناه دادن و تمسک به غیر است.⁵ عوذ مریم به خدا، یعنی به تمام و کمال سپردن او به خداوند.

مادر مریم در تربیت شایسته او از هیچ کوششی فروگذار نکرد و خداوند به دست او و در دامان او، مریم را به رشد و کمالی بس نیک و شایسته رسانید.

«و انبتها نباتا حسنا» بیانگر رشد، تربیت و پرورش بایسته و مطلوب مریم است. قرآن یادآور شده است که پاک‌ی و پاکدامنی و صلاح پدر و مادر مریم، در میان جامعه آنان مورد تأیید و تأکید بوده و مردم انتظار داشتند که به حکم قوانین طبیعی و اجتماعی، مریم نیز فردی شایسته باشد و قرآن این انتظار را رد نکرده و نادرست‌نشمردن است.

«يا اخت هارون ما كان ابوك امراً سوءً و ما كانت أمك بغياً» (مریم / 28)

«ای خواهر هارون! نه پدرت مرد بدی بود، و نه مادرت زن بدکاره‌ای!»

مریم مادر عیسی علیه السلام بانو و مادر نمونه دیگری است که قرآن بر آن انگشت نهاده و تأکید کرده است. مادری که از همان روزهای نخستین جدایی از آغوش مادر، ساکن و مقیم خانه خدا شد و به عبادت الهی پرداخت.

مقام مریم در عبودیت و بندگی خداوند به مرتبه‌ای رسید که برگزیده خداوند شد. مائده آسمانی بر او فرود می‌آمد و مورد غبطه پیامبر الهی (زکریا) قرار گرفت و داشتن چنان فرزندی را از خداوند درخواست کرد.

مریم از زنان مورد ستایش قرآن است از آن جهت که پاکی و پاکدامنی خود را به شدت پاس داشته است و تا آنجا پیش رفته که شایستگی دریافت نفخه الهی شده است.

«و مریم ابنت عمران الّتی أحصنت فرجها فنفخنا فیه من روحنا و صدقت بکلمات ربّها و کتبه و کانت من القانتین» (تحریم / 12)

«و مریم دختر عمران که دامن خود را پاک نگاه داشت و ما از روح خود در آن دمیدیم، او کلمات پروردگار و کتاب‌هایش را تصدیق کرد و او از مطیعان فرمان خدا بود.

«و اذ قالت الملائکة یا مریم إنّ الله اصطفاک و طهرک علی نساء العالمین. یا مریم اقتنی لربک و اسجدی و ارکعی مع الرّاکعین» (آل عمران / 42 و 43)

و) به یاد آورید (هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان، برتری داده است. ای مریم!) به شکرانه این نعمت (برای پروردگار خود، خضوع کن و سجده به جا آور و با رکوع‌کنندگان رکوع کن.»

از مجموع نام مریم به عنوان دختر عمران یا مادر عیسی و یا به صورت مستقل، بارها و بارها در قرآن یاد شده است و آیات مربوط به توصیف حالات شخصی، ویژگی‌های رفتاری، عبادی، خلقی، برگزیدگی و پاکدامنی مریم، سکنی‌گزینی او در عبادتگاه پروردگار و بهره‌وری از نعمت‌های بهشتی، چند مطلب قابل فهم و دریافت است:

یک: و ارستگی، پاکدامنی، بندگی خالصانه مریم، سبب شد که فرزند و مولود بزرگواری چون عیسی مسیح علیهما السلام در دامن او زاده شود؛ چه اگر زنی بسان مریم و به پیمانۀ قداست، پاکی و پروا پیشگی او نمی‌بود نمی‌توانست، این شرافت را کسب کند و ظرفیت و شایستگی مادر شدن برای عیسی مسیح علیهما السلام را بیابد.

دو: تولد فرزندی چون عیسی از مادری چون مریم سزا است و این به صورت آشکار نقش مادر در تربیت فرزندان در مراحل جنینی و پس از آن و نیز تأثیر حالات روحی، اخلاق و ایمان مادران بر خلق و خوی و حالات و رفتار فرزندان را می‌رساند.

سه: گویی تمام عظمت و تقدیس مریم در نقش مادری او به عیسی و زادن و پروردن او خلاصه می‌شود. کثرت آیات ناظر بر مادری مریم برای عیسی از همین منظر قابل فهم است.

چهار: مادری مریم، برای عیسی علیه السلام را نمی‌توان بسان گذرگاه و ظرفی بدون نقش و تأثیر برای مطروف و شخصیت مسیح انگاشت که اگر چنین می‌بود، یاد کرد آن همه توصیف از پروای اخلاقی،

خدا باوری مریم و جای گرفتن وی در مقدس‌ترین مکان، پرداختن به پرستش شبانه‌روزی خداوند و تغذیه از پاک‌ترین غذاها، در دوره پیشامادری، ضرورت و توجیه درخور فهم و عقلانی نمی‌یافت!

افزودن بر این، بشارت تولد عیسی علیه السلام را فرشتگان به مریم دادند و آن نوزاد را با لقب «فرزند مریم» معرفی کردند و این یعنی که او سهمی به سزا در تحقق اراده الهی و تولد فرزندی چون عیسی از دامن او داشته است :

«اذ قالت الملائكة يا مريم ان الله يبشرك بكلمة منه اسمه المسيح عيسى ابن مريم وجيهاً في الدنيا والاخرة و من المقربين» (آل عمران / 45)

«به یاد آورید (هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خداوند تو را به کلمه‌ای [= وجود با عظمتی] از طرف خود بشارت می‌دهد که نامش مسیح، عیسی پسر مریم است؛ در حالی که در این جهان و جهان دیگر، صاحب شخصیت خواهد بود و از مقربان الهی) است.»

یکی از آیاتی که به گونه صریح تأثیر نقش تربیتی، شخصیتی و صفات اخلاقی، دینی مریم در تکوین شخصیت عیسی علیه السلام را باز می‌گوید، آیه هفتاد و پنجم سوره مبارکه مائده است:

«ما المسيح ابن مريم إلا رسولٌ قد خلت من قبله الرسل و أمه صديقه كانا يأكلان الطعام» (المائده / 75)

«مسیح فرزند مریم، فقط فرستاده (خدا) بود؛ پیش از وی نیز، فرستادگان دیگری بودند. مادرش، زن بسیار راستگویی بود؛ هر دو غذا می‌خوردند؛) با این حال، چگونه دعوی الوهیت مسیح و پرستش مریم را دارید؟!»

یکی از جنبه‌های تأکید خداوند بر «صدیقه» بودن مریم آن است که بگوید، پاره‌ای از خصوصیات و صفات منحصر به فرد و استثنایی عیسی علیه السلام ره آورد صفت صدیق بودن مادر او، مریم است و گرنه او انسانی است بسان سایر انسان‌ها.

3- مادر موسی علیه السلام

موسی علیه السلام در روزگاری به دنیا آمد که فرعون، فرزندان پسر بنی اسرائیل را سر می‌برد تا سلطنت وی زوال نیابد.

از همان روزهای نخست ولادت موسی علیه السلام، مادر وی را، تشویق و اضطراب فراگرفت و از تدبیر و چاره‌اندیشی در حفظ جان فرزند خویش، عاجز ماند. در این هنگام بود که مادر موسی علیه السلام از سوی خدا راهنمایی شد :

«و اوحینا الی امّ موسی أن أرضعیه فاذا خفت علیه فألقیه فی الیمّ و لا تخافی و لاتحزنی إنا رادوه الیک و جاعلوه من المرسلین. فالتقطه آل فرعون لیكون لهم عدواً و حزناً» (قصص / 7 و 8)

«و ما به مادر موسی الهام کردیم که : «او را شیر ده و هنگامی که بر او ترسیدی، وی را در دریا (نیل) بیفکن؛ و نترس و غمگین مباش، که ما او را به تو باز می‌گردانیم، و او را از رسولان قرار می‌دهیم. (هنگامی که مادر به فرمان خدا او را به دریا افکند) خاندان فرعون او را از آب گرفتند، تا سرانجام دشمن آنان و مایه اندهشان گردد!»

در این ماجرا چند موضوع شایان درنگ است :

یک : وحی الهی به مادر موسی علیه السلام چه به معنای الهام باشد و یا شنیدن صدا و یا هر مکانیسم دیگر، آن چه مهم می‌نماید و منزلت مادر موسی علیه السلام را به عنوان مادر بسی والایی می‌بخشد، این واقعیت است که می‌بینیم، تمامی تدبیر و راهکارهای وحیانی خداوند به صورت ریز، دقیق، مدبرانه و با شجاعت برخاسته از ایمان از سوی مادر موسی فراگرفته و اجرا می‌شود و خداوند از ایمان، قلب مطمئن، تعهد و اجرای دقیق دستورات خود به وسیله مادر موسی علیه السلام با لحن ستایش گزارش می‌کند. دو : راز بازگشت دوباره موسی به آغوش مادر، تسکین قلب مادر موسی، زدودن اندوه از وی و اثبات حقانیت وعده خداوند دانسته شده است :

«فرددناه إلی امّه کی تقرّ عینها و لا تحزن ولتعلم أنّ وعدالله حق...» (قصص / 13)

«ما او را به مادرش بازگردانیدیم تا چشمش روشن شود و غمگین نباشد و بداند که وعده الهی حق است.»

اما این واقعیت که از میان تمامی راه‌های ممکن خداوند راهکار امتناع او از پذیرش و مکیدن پستان زنان دیگر را عامل بازگشت موسی به مادر، تقدیر و پیش‌بینی می‌کند، نشانگر این مطلب می‌تواند باشد که کار تربیت، پرورش، تغذیه و رشد موسی پیامبر باید که به وسیله زنی چون مادر خود وی کمال و انجام پذیرد و نه هر زن شیرده دیگر، و این به معنای برجسته کردن اهمیت نقش تربیتی مادران در سمت و سویابی فرزندان و ارائه الگوی موفق از مادری است که با ایمان اخلاص و اعتماد و اتکال به خداوند کار تربیت و پرورش فرزندی چون موسی علیه السلام را به شیوه احسن و بهترین وجه ممکن به فرجام رساند.

مربیگری راز ستایش قرآن از مادران

اگر از داستان نوح علیه السلام بگذریم که برخی از قرآن‌پژوهان شقاوت فرزند نوح را برآیند زاده شدن و تربیت یافتن در دامان مادر ناشایست قلمداد کرده‌اند؛ زیرا که از خانواده نوح این هر دو مادر و فرزند بودند که به نوح ایمان نیاوردند و با کافران غرق طوفان شدند. موردی را نمی‌توان یافت که زن در نقش مادری نکوهش شده باشد.

به ویژه این که قرآن، بدفرجامی و اعراض فرزند نوح علیه السلام از ایمان به شریعت و آیین پدر را، حتی با اشاره و تلویح به مادر او نسبت نداده است. بدین ترتیب جایی را نمی‌شود سراغ گرفت که قرآن کریم به صورت روشن و صریح، زنان را در جایگاه و نقش مادری نکوهش و توبیخ کرده باشد.

آنان که با ملاک‌های ارزش‌گذاری اسلام آشنایی دارند، می‌دانند که اسلام و فرهنگ قرآنی به تمامی کسانی را که دارای نقش و کارکرد تربیتی هستند، ارج و منزلت بیش از سایرین بخشیده است، ربوبیت از صفات کمالیه الهی و خداوند «رب» تربیت‌کننده و پرورش‌دهنده مطلق جهانیان است: «الحمد لله رب العالمین» پیامبران الهی از جمله صفات و رسالت‌هایشان، مربیگری و آموزگاری است: «هو الّذی بعث فی الاممیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و إن کانوا من قبل لفی ضلال مبین»

(جمعه / 21)

«و کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند!»

از این رو مهم‌ترین مواردی که قرآن به نقش قابل‌تحسین مادران پرداخته، مواردی است که به جنبه مربیگری آنان نظر داشته است. از آن جمله :

1- حق بیشتر مادران بر فرزندان. نیکی و احسان به والدین در هفت سوره قرآن، سفارش شده و همواره پس از ایمان به خدا و یکتاپرستی که سنگ‌بنای سازواره اندیشه اسلامی را تشکیل می‌دهد، قرار گرفته است.

در دو سوره از این سوره‌ها بر روی واژه مادر «م» جداگانه تکیه شده و زحمت‌ها، رنج‌ها و بیداری‌هایی که برای پرورش، تربیت و سلامت فرزند خود در هنگام بارداری، شیردهی، متحمل گشته است، یادآور شده و بدین‌سان منزلت مادری را ارج بیشتر از پدر بودن نهاده و حقوق بیشتر او بر فرزندان را گوشزد کرده است :

«وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بَوَالِدِيهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنًا عَلِيًّا وَ هِنٍ وَفَصَّالَةٌ فِي عَامِيْنِ أَنْ اِشْكُرْلِي وَ لَوَالِدِيْكَ» (لقمان / 15)

«و ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم. مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد (به هنگام بارداری هر روز رنج تازه‌ای را متحمل می‌شد) و دوران شیرخوارگی او دو سال پایان می‌یابد (آری به او توصیه کردم) که برای من و برای پدر و مادرت شکر به جا آور که بازگشت (همه شما) به سوی من است.»

«وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بَوَالِدِيهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كَرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كَرْهًا وَ فَصَّالَةٌ ثَلَاثُوْنَ شَهْرًا...» (احقاف / 15)

«ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادر نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد و دوران حمل و از شیر باز گرفتنش سی‌ماه است»

2- قرآن در سوره اسراء احسان و نیکی به والدین را در شمار قضاء و احکامی که الزامی و بایدی است قرار می‌دهد و نمونه‌های از رفتار و برخورد محسانانه و نیکو را نیز یادآور می‌شود و در آخر می‌افزاید که فرزندان باید، در خلوت‌گه راز و نیایش با خداوند، از نقش تربیتی والدین یاد کند:

«... وَ قُلْ رَبِّ اَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِىْ صَغِيْرًا» (اسراء / 24)

«و بگو؛ پروردگارا همان‌گونه که آنان مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده.»
انتخاب عنوان «تربیت» گذشته از این که می‌تواند به دلیل شمول و پوشش‌دهی آن بر همه فعالیت‌های کودک‌پروری پدر و مادر باشد (بیانگر آن است که از یک‌سو، تمامی اعمال و رفتارهای پدر و مادر جنبه تربیتی دارند و از سوی دیگر تربیت ستوده و بایسته همان پدر و مادر بوده که چنین فرزند خداجو و نیایش‌گر پرورده شده است.

- 1- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت، چاپ هشتم، تهران، انتشارات الزهراء، 49_1365؛ سادات، محمد علی، اخلاق اسلامی، چاپ سوم، تهران، شرکت چاپ و نشر ایران، 7_1373.
- 2- بنیامین اسپاک، تغذیه، تربیت و نگهداری کودک، ترجمه احمد میرعابدینی، چاپ اول، تهران، نشر چکامه، 544_1362.
- 3- همان، / 549.
- 4- همان، 1/543.
- 5- رشید رضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، چاپ دوم، بیروت، دارالمعرفه، 3/29.